

دومین همایش ملی افق های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری عمران، گردشگری و محیط زیست شهری و روستایی

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴



ارتباط سکونت و آرامش در فضای شهری با حضور طبیعت در شهر

دکتر حمیدرضا عامری سیاهویی^۱، نجمه احسانی^{۲*}

چکیده

طبیعت تجلی گاه احساسات، شور، شغف و زیبایی هاست به همین دلیل انسان همواره می کوشد تا با آن همراه باشد. توسعه سریع تکنولوژی و صنعت سبب رشد بی رویه شهرها و توسعه حومه سازی و تخریب فضای سبز گردید. شهرهای باکیفیت متوسط، جایگزین طبیعت بکر و محیط های روستایی شده است. در نتیجه زیبایی این محیط های بکر و طبیعی به ناموزونی و زشتی جوامع صنعتی بدل شده است. رشد شتابان شهرنشینی از پدیده های ویژه دوران معاصر است. چنانچه قرن گذشته را قرن انقلاب صنعتی و قرن حاضر را قرن انقلاب شهری می نامند. بسیاری از معضلاتی که انسان با آنها روبه روست در ارتباط با زندگی شهرنشینی او میباشند. به طوری که سکونت در شهر برای انسان مشکلاتی از قبیل اضطراب، نگرانی از آینده و آوارگی را به ارمغان آورده است. از سوی دیگر توسعه شهرنشینی سبب بروز معضلات دیگری مانند از بین رفتن طبیعت بکر شده است. تخریب طبیعت نیز علاوه بر آسیب هایی که از لحاظ فیزیولوژی و جسمانی برای او به ارمغان آورده، معضلات روانی را نیز به مشکلات وی اضافه کرده است. بنابراین در چنین شرایطی توجه به شرایط عاطفی و روانی جامعه لازم و ضروری می باشد و بدیهی است یکی از راههای غلبه بر این مشکلات بهبود شرایط زندگی و محیط سکونت انسان می باشد. در این مقاله سعی بر آن است به بررسی جایگاه طبیعت در شهرسازی پرداخت که منجر به فراهم کردن آسایش و آرامش برای انسان هاست.

واژگان کلیدی: طبیعت، انسان، آرامش، فضای شهری، سکونت

دومین همایش ملی افق های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری عمران، گردشگری و محیط زیست شهری و روستایی

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴



مقدمه

۱. هیئت علمی (دانشیار) گروه معماری و شهرسازی دانشگاه پیام نور مرکز بندرعباس
۲. نویسنده مسئول دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز بندرعباس واحد قشم
E-mail: najmeh.ehsani@yahoo.com

انسان کاشف طبیعت و عامل برقراری تداوم و پایداری بقا و عاملی در تجلی امکانات و استعداد های نهانی طبیعت شناخته شده و اوست که با تصور در طبیعت رازهای نهانی خود را آشکار ساخته و گاه از چهره به ظاهر خصمانه و شرارت آلودش، زیبایی، صفا و صمیمیت می تراود. در این فلسفه روابط انسان و طبیعت به صورت یکپارچه مشاهده می شود و انسان نه جزئی جدا شدنی از طبیعت و نه حاکم مافوق آن است. طبیعت کلیت و مظهر تجلی وجود است

قرنهایست که بشر در رابطه تنگاتنگ با طبیعت به سر برده و برای تولید مایحتاج خود از آن الهام می گیرد. طبیعت و آثار طبیعت در طول تاریخ همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت های انسان بوده است. طبیعت این معلم بزرگ تاریخ، در زمینه های مختلف منشا خدماتی برای انسان جستجوگر و کنجکاو بوده که زمان آن به قدمت خود تاریخ می رسد و در این روند، انسان بعد از گذر از قهر طبیعت توانسته است چیرگی خود را به او نشان دهد. اما طبیعت به عنوان منبع و نیروی ارزنده در خدمت انسان بیش از آنکه به انسان عقل گرا در امور کمی و تکنیکی کمک کند، نیاز روحی و احساسی او را برآورده ساخته است

از این رو انسانی ساختن محیط و توجه به طبیعت در طراحی شهری می تواند در هویت و شکل گیری شخصیت ساکنین آن مؤثر افتد و این جاست که نقش طراح فضاهای شهری نمایان می شود. به طوری که او باید به مفاهیم موجود در فضای شهری بیشتر از پیش توجه نماید چرا که از بین رفتن آن منجر به انحطاط حس انسان از فضای شهری و ایجاد اغتشاش در انگاره های ذهنی او می شود و بدین ترتیب فرد در فضایی ناقص و نامتناسب به سر خواهد برد تا جایی که از چنین فردی نمی توان توقع درک فضایی در مرتبه ای قطعی را داشت و شاید بتوان فرد را دچار عارضه فلج ادراک فضایی دانست (ناصر براتی، ۱۳۸۲: ۵۴)